



Feasibility of Claiming damages based on violation of the principle of legitimate expectations

Ali Mashhadi ¹, Esmail Nematollahi ²

1. Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, (Corresponding Author), Email: droitenviro@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, Email: es.nematollahi@yahoo.com

Abstract

Legitimate expectations are the benefits and claims that have been formed for individuals and citizens over many years. A sudden change in the status of these interests, especially by public authorities, can lead to damages to individuals and ultimately civil liability. In some legal systems and some procedures, this responsibility has been identified with conditions. In this article, an attempt has been made to explain the formation of this principle in the literature of administrative and contractual law and its extension to other fields, and then to identify the civil liability caused by the damages of violation of this principle. The basic question is, how can violation of the principle of legitimate expectations lead to damages to individuals, and what is the procedure of administrative and judicial courts in this regard? The basic assumption of this article in response to the main question is that despite the recognition of this principle in the administrative and judicial procedure, it will be established in some civil liability situations and this has been emphasized and recognized in the procedure.

Key words: Legitimate expectations, expectation damages interests, claims, administrative authorities, civil liability of the government.

Received: 09/05/2026; Revised: 15/07/2026; Accepted: 11/08/2026; Published online: 17/08/2026

How To Cite: Mashhadi, A & Nematollahi, E. (2026). Feasibility of Claiming damages based on violation of the principle of legitimate expectations. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 3(2), 25-43. <https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.17135.1143>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research





امکان سنجی مطالبه خسارت بر مبنای نقض اصل انتظارات مشروع

علی مشهدی^۱، اسماعیل نعمت‌اللهی^۲

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول): droitenviro@gmail.com؛ رایانامه:

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: es.nematollahi@yahoo.com

چکیده

انتظارات مشروع به منافع و ادعاهای موجه و مشروعی گفته می‌شود که در طول سالیان متمادی برای اشخاص و شهروندان شکل گرفته است. تغییر ناگهانی در وضعیت این منافع، به‌ویژه از سوی مقامات عمومی می‌تواند منجر به خسارات به اشخاص و در نهایت مسئولیت مدنی شود. در برخی از نظام‌های حقوقی و برخی از رویه‌ها این مسئولیت با شرایطی مورد شناسایی قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شده است نحوه شکل‌گیری این اصل در ادبیات حقوق اداری و قراردادی و تسری آن به سایر حوزه‌ها توضیح و سپس شناسایی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات نقض این اصل بررسی شود. سؤال اساسی این است که نقض اصل انتظارات مشروع چگونه می‌تواند منجر به ورود خسارات به اشخاص شده و رویه محاکم اداری و قضایی در این خصوص چگونه است؟ فرض اساسی این مقاله در پاسخ به سؤال اصلی این است که علی‌رغم شناسایی این اصل در رویه اداری و قضایی، در برخی موارد مسئولیت مدنی مستقر خواهد شد و این امر در رویه مورد تأکید و شناسایی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: انتظارات مشروع، خسارت انتظار، منافع، ادعاها، مقامات اداری، مسئولیت مدنی دولت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶
استناد: مشهدی، علی و نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۴۰۵) امکان سنجی مطالبه خسارت بر مبنای نقض اصل انتظارات مشروع، آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۳(۲)، ۲۵-۴۳. <https://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.17135.1143>



مقدمه

انتظارات مشروع در ادبیات حقوقی دو چهره حقوق خصوصی و عمومی دارد. این مفهوم امروزه در ادبیات حقوق اداری، حقوق قراردادی و حقوق استخدام و حتی حقوق سرمایه‌گذاری تجاری توسعه پیدا نموده است. موضوع مسئولیت مدنی خسارات ناشی از نقض اصل انتظارات مشروع حلقه پیوند دو حوزه حقوق عمومی و خصوصی در این زمینه است. این سؤال اساسی مطرح است که اگر اشخاص عمومی و خصوصی به انتظار مشروع شکل گرفته بی‌توجهی نمایند و از این طریق خساراتی به اشخاص ذی‌نفع و یا مدعی انتظار وارد آید آیا می‌تواند مبنایی برای مسئولیت این اشخاص برای نقض این انتظارات مشروع باشد و رویه محاکم و دادگاه‌ها در پرداخت خسارت چگونه بوده است؟ اینکه مقامات عمومی و اشخاص خصوصی می‌توانند زمانی انتظارات مشروع برای اشخاص ایجاد کنند و سپس آن‌ها را در رعایت این انتظار ناامید می‌کنند، می‌تواند زمینه‌ای برای مسئول قلمداد شدن آن‌ها در برابر خسارات فراهم کند و امروزه یکی از ویژگی‌های مهم و متمایز حقوق مسئولیت مدنی دولت و اداره در اروپا است (Brown, 2011: 699).

لازم به توضیح است که دعاوی خسارات ناشی از نقض انتظارات مشروع علیه دولت‌ها و سازمان‌ها بیش از موارد دیگر است. دولت‌ها امروزه دارای اختیارات قانونی و صلاحیتی گسترده‌ای برای لغو تصمیمات اداری رسمی خود بر مبنای امور حاکمیتی دارند. اعمال این اختیارات نه تنها ممکن است باعث نقض انتظارات مشروع افراد شود، بلکه افرادی که به‌نوعی بر تصمیمات اداری مقامات عمومی تکیه می‌کنند نیز ممکن است متحمل صدمات جسمی، خسارت مالی و ضرر اقتصادی شوند (Schönberg, 2012: 167)، همین امر در حقوق قراردادی نیز مطرح است؛ به این صورت که اشخاص وعده یا تعهدی را برای اتخاذ رویه ثابت ایجاد می‌نمایند و گاهی تغییر آن می‌تواند منجر به ایراد خسارت شود. بنابراین از لحاظ مبانی حقوقی این افراد باید بتوانند تقاضای جبران چنین خساراتی را بنمایند.

از منظر ضرورت حقوقی، هرچند همان‌گونه که بحث خواهد شد مبنای حقوقی و رویه‌ها در پرونده‌های حقوق عمومی و خصوصی در این زمینه متفاوت است، لیکن پرداختن به اصل این موضوع می‌تواند برای نظام حقوقی ایران زمینه توجه حقوق‌دانان و قضات و نظام قانونی را به این مسئله مهم فراهم نماید. امروزه در رویه‌های اداری و قراردادی شاهد نقض بسیاری از انتظارات مشروع هستیم؛ بنابراین فایده عملی پرداختن به این موضوع برای نظام حقوقی ما این است که پیش‌بینی تدابیر جبرانی به

ارتقای حاکمیت قانون و رعایت الزامات انصاف و اعتماد در روابط بین شهروندان و اداره کمک نموده و از لحاظ حقوق خصوصی و قراردادی نیز زمینه شناسایی جبران خسارات ناشی از نقض انتظارات مشروع را در رویه قضایی و توجه محاکم فراهم می‌نماید. به لحاظ سابقه پژوهشی به صورت کلی در زمینه انتظارات مشروع آثار متعددی نگاشته شده است؛ ولی در مورد خسارات و جبران آن اثری در زبان فارسی وجود ندارد. از میان این آثار کلی می‌توان به مقاله مسیح بهنیا و محمدحسین زارعی در مورد امکان اعمال اصل انتظار مشروع در دیوان عدالت اداری اشاره نمود (بهنیا و زارعی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). اسماعیل نعمت‌اللهی در بخشی از مقاله خود تحت عنوان اهداف و مبانی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد با تأکید بر آراء قضایی به برخی از ابعاد این مسئله پرداخته است (نعمت‌اللهی، ۱۴۰۱: ۴۰۵).

در منابع لاتین نیز الکساندر براون به موضوع جبران خسارات ناشی از انتظارات مشروع پرداخته است (Brown, 2011: 612). در این مقاله سعی شده است با روش تحلیلی و توصیفی برخی از ابعاد حقوق عمومی و خصوصی اصل انتظارات مشروع را در چارچوب مفهوم مسئولیت مدنی بررسی و ارزیابی نماییم. سؤال اساسی این است که نقض اصل انتظارات مشروع چگونه می‌تواند منجر به ورود خسارات به اشخاص شده و رویه محاکم اداری و قضایی در این خصوص چگونه است؟ فرض اساسی این مقاله در پاسخ به سؤال اصلی این است که علی‌رغم شناسایی این اصل در رویه اداری و قضایی، در برخی از فروض مسئولیت مدنی مستقر خواهد شد و این امر در رویه مورد تأکید و شناسایی قرار گرفته است.

۱. مفهوم و مبنای اصل انتظارات مشروع

در این بند ابتدا به مفهوم انتظار مشروع پرداخته و سپس مبانی حقوقی که زمینه طرح ادعای خسارت به جهت نقض انتظارات مشروع را فراهم می‌نمایند از جمله نظریه اعتماد یا اتکا و استاپل را بحث خواهیم نمود.

۱-۱. تحلیل مفهومی

اصل انتظارات مشروع امروزه جزئی از اصول مدرن حقوقی مورد شناسایی و پذیرش رویه قضایی و اداری قرار گرفته است (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱، ۲۸۲). به لحاظ مفهومی انتظارات مشروع به منافع و ادعاهای موجه و مشروعی گفته می‌شود که در اثر رویه‌های اداری و برنامه‌های دولتی ایجاد شده؛ به نحوی که عدم توجه به آن‌ها موجب ورود خسارت یا سلب منفعت از اشخاص می‌گردد (زارعی و بهنیا، ۱۳۷۸). خسارت یا سلب منفعت از اشخاص نیز می‌تواند شقوق مختلف و متنوعی از خسارات مادی و معنوی را

در برگردد. به دیگر سخن انتظارات مشروع به این معناست که ممکن است یک فرد به دلیل برخی رویه‌های ثابت در گذشته یا تعهد صریحی، انتظار معقولی داشته باشد که با او به شیوه‌ای مشخص رفتار شود. بر اساس این مفهوم است که می‌توان اشخاص یا مقامات عمومی را پاسخگو نمود و مسئول شناخت.

مفهوم دکترین انتظار مشروع این است که تصمیم‌گیرنده یا از طریق اعمال یک رویه معمول^۱ یا از طریق یک وعده صریح،^۲ افراد ذی‌نفع را به‌طور مشروع و موجه به این انتظار برساند که او به روشی خاص تصمیم بگیرد. این انتظار ایجاد شده و در حقوق و رویه قضایی از آن حمایت می‌گردد؛ لذا تصمیم‌گیرنده نمی‌تواند هنگام تصمیم‌گیری‌های بعدی آن را نادیده بگیرد. طبعاً نادیده‌انگاری آن می‌توان زمینه طرح مسئولیت برای جبران خسارات احتمالی را فراهم نماید. البته در حقوق برخی کشورها نظیر مصر همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید اصل را هنوز به‌صورت یک اصل مستقل و عام با آثار تعویضی مشخص صورت‌بندی نکرده، بلکه حمایت از آن را در قالب‌هایی چون امنیت حقوقی، منع تعسف، مشروعیت تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری پذیرفته است. به لحاظ تاریخی، مفهوم انتظارات مشروع از اواسط دهه پنجاه میلادی در ادبیات حقوقی و قضایی ظهور و بروز پیدا کرد و در حقوق انگلیس مشخصاً با رأی قاضی دنین در انگلستان و در دعوای Schmidt.V.home secretary رسماً وارد رویه‌های قضایی گردید.

در حقوق عمومی تحلیل اصل انتظارات مشروع در هر مورد مستلزم توصیف حقوقی شرایط سه‌گانه ذیل است: الف. افراد یا گروه‌هایی که انتظار برای آن‌ها شکل گرفته است (مدعیان یا ذی‌نفع‌ها)؛ ب. مقامات یا اشخاصی که از آن‌ها انتظار می‌رود (ایجادکننده انتظار)؛ ج. انتظاری که شکل گرفته است (شرایط انتظار). در این نوشتار بیشتر بر مورد سوم تمرکز نموده‌ایم و خسارات ناشی از آن در رویه دادگاه‌ها بررسی شده است.

۲-۱. مبنای حقوقی اصل انتظارات مشروع

پذیرش اصل انتظارات مشروع^۳ در حقوق حاصل توسعه قواعد مربوط به عدالت طبیعی و گسترش اصول انصاف رویه‌ای در تصمیم‌گیری مقامات اداری و تعهدات قانونی و حق بر استماع منصفانه است (Stott,

1 . regular practice

2 . express promise

3 . Legitimate expectations

127: 1997). برای تحلیل مبنای حقوقی پذیرش زیان در نقض اصل انتظارات مشروع، مبانی متعددی بیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها نظریه اتکا، پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات اداری و قاعده استاپل است. لیکن در این میان مبنای اصلی توجه به این مفهوم در حقوق مسئولیت مدنی دولت، «نظریه اتکا» است. مطابق این اصل از آنجا که شهروندان با اعتماد به مقامات رسمی به تصمیمات آنان اتکا کرده و با عنایت به قطعیت قواعد حقوقی، وضعیتی قابل پیش‌بینی را انتظار داشته و بر اساس آن برای خود برنامه‌ریزی می‌کنند، لذا مقامات تصمیم‌گیرنده نمی‌توانند از تصمیمات قانونی، رویه‌های عملی و یا حتی اظهارات گذشته خویش جز در برخی شرایط استثنایی عدول کنند؛ بنابراین در صورت عدول و ورود خسارات به اشخاص مسئولیت جبران مستقر خواهد شد. چنانکه در بندهای بعدی خواهیم دید، دادگاه‌ها نیز به این مورد توجه داشته و در صورت احراز اتکا یا اعتماد رأی به جبران خسارت داده‌اند.

باید دقت نمود که انتظارات مشروع در حقوق عمومی مواجه با یک وضعیت پیچیده نیز است. با این توضیح که این نهاد نقطه تعادل دو مفهوم «ثبات» و «تغییرپذیری» سیاست‌های دولت است. با این توضیح که اصل ثبات و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات مقامات عمومی،^۱ قائل به این است که دولت در اتخاذ سیاست‌ها باید رویه واحد و ثابتی داشته و از تغییرات ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی اجتناب نماید (Trailescu, 2011: 107). از طرف دیگر وجود دولت‌های گوناگون و سیاست‌های حزبی مختلف از سویی و لزوم هماهنگی دولت با تحولات روز و تغییرات در خط‌مشی‌ها، اصل هماهنگی و تغییرپذیری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. بازخورد و نقطه تعادل این دو ایده اصل انتظارات مشروع را برای شهروندان شکل می‌دهد و در صورت داشتن شرایط انتظار مشروع منجر به مسئولیت دولت خواهد شد.

همچنین برخی از حقوق‌دانان اداری در دفاع از اصل انتظارات مشروع و ممنوعیت تلون در خط‌مشی‌های اداری به قاعده معروف «استاپل»^۲ استناد می‌جویند. به موجب این قاعده هیچ‌کس نمی‌تواند به زیان دیگری تناقض‌گویی کند؛ لذا بر اساس این مبنا، فرض بر این است که اگر دولت یا شخصی رویه یا سیاستی را قبلاً اتخاذ نموده است، باید در حال حاضر نیز به آن پایبند باشد و اصل بر این است که نمی‌تواند آن را تغییر دهد (شونبرگ، ۱۳۸۷). قاعده استاپل در زمره آن دسته از قواعد عرفی کلاسیک دانش حقوق است که از سایر رشته‌های حقوقی در ادبیات نظارت (کنترل) قضایی وارد گردید. این قاعده اعمال و افعال و اقدامات و تصمیمات گذشته اداره را مبنای ارزیابی قرار می‌دهد و

1 . predictability of administrative acts

2 . Estoppel

ارتباط وثیقی با سایر اصول حقوق اداری ازجمله انتظارات مشروع دارد (Elliott, 2003: 71; Stuart, 1983: 53). لازم به ذکر است که اصل انتظارات مشروع با حق بر اداره خوب نیز پیوند می‌خورد و به دنبال ایجاد «کمترین اثر منفی» (کوچک‌ترین مخرج مشترک سیاست‌های متغیر) بر حقوق و منافع شهروندان است (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۳۲). به‌طور کلی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا به سه دسته اصلی تقسیم شده است: ۱. استاپل ناشی از سابقه؛ ۲. استاپل ناشی از سند؛ ۳. استاپل ناشی از رفتار. دو دسته اول که به استاپل‌های حقوقی مشهورند برگرفته از «کامن‌لا» می‌باشند و دسته سوم استاپل‌هایی را در برمی‌گیرد که ریشه در «انصاف» دارند. دسته‌های اول علیه هر دو طرف دعوی قابل استناد می‌باشند. درحالی‌که استاپل‌های مبتنی بر انصاف تنها علیه کسی محقق می‌شوند که با رفتار یا کردار خود دیگری را گمراه کرده است، کما اینکه در دسته اول و دوم معمولاً بین طرفین رابطه قراردادی وجود دارد (افتخار جهرمی و شهبازی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۷).

بسیاری از محاکم در ایالات متحده آمریکا معتقد به پذیرش قاعده استاپل به شکلی منصفانه می‌باشند که بر پایه عقلانیت دکرین حقوق اعطایی به شهروندان قرار می‌گیرد و از مفهوم «استاپل بر پایه انصاف»^۱ دریافت می‌شود. ازجمله مهم‌ترین مصادیق استاپل که به انتظارات مشروع مرتبط است، «استاپل ناشی از وعده» است. مطابق با این نوع از استاپل اگر شخص وعده‌ای دهد که طرف دیگر بر آن اعتماد و بر اساس آن عمل کند، وعده دهنده نمی‌تواند از وعده خود عدول کند؛ هرچند در مقابل این وعده عوضی دریافت نکرده باشد (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

در حقوق اداری آمریکا، یکی از الزامات اصل رعایت تشریفات قانونی^۲ این است که دولت نمی‌تواند در اجرای وظایفش «متلوانه»^۳ و «دلبخواهانه»^۴ رفتار کند. در آمریکا مدت مدیدی است که دادگاه‌ها اعلام داشته‌اند که سازمان‌های اداری می‌توانند در چارچوب‌های مقرر شده از سوی کنگره، سیاست‌های خویش را تغییر دهند تنها منوط به اینکه بپذیرند سیاست‌های سابق خویش را تغییر داده‌اند و فقط در صورتی که مبانی تغییر در سیاست‌های خویش را توضیح دهند (مشهدی و هداوند، ۱۳۹۰: ۳۶۴).

1. Equitable stopple

2. due process

3. Capricious

4. Arbitrary

همچنین در حقوق خصوصی این کشور خسارات ناشی از انتظار^۱ یک مفهوم رایج است و در موارد متعددی مبتنی بر این مفهوم حکم به پرداخت خسارت شده است (Barak-Erez, 2005: 583).

۲. انتظار مشروع به عنوان معیار ارزیابی خسارت

انتظار مشروع و نقض آن در حقوق عمومی و حقوق مدنی و همچنین حوزه‌های گسترده دیگر حقوق به عنوان یکی از اصول مهم ارزیابی خسارت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اینجا اگر شخص وعده‌ای دهد که طرف دیگر بر آن اعتماد و بر اساس آن عمل کند، وعده دهنده نمی‌تواند از وعده خود عدول کند؛ هرچند در مقابل این وعده عوضی دریافت نکرده باشد. در اینجا در دو بند مجزا رویکرد حقوق عمومی و خصوصی اشاره خواهیم نمود. در حقوق عمومی قبل از احراز پرداخت خسارت به زیان‌دیده، میان انتظارات مشروع از یک طرف و استماع منصفانه و الزام به بیان دلیل رابطه منطقی وجود دارد. به این صورت که مطلق نقض انتظار مشروع نمی‌تواند مبنایی برای دریافت غرامت باشد. یعنی اگر اداره بتواند دلیل عدم رعایت انتظار را از طریق بیان دلایل و استماع منصفانه نزد دادگاه توجیه نماید، دیگر نقض انتظارات مشروع نمی‌تواند غیرقانونی و مبنایی برای مسئولیت باشد.

قاضی دنین مشهورترین قاضی که انتظارات مشروع را در کامن‌لا شناسایی و توسعه داده است، در پرونده مشهور Breen v. Amalgamated Engineering Union & Others بر این نکته تأکید دارد که اگر فردی به دنبال امتیازی باشد که هیچ ادعای خاصی نسبت به آن بدو نداشته است، مانند انتصاب در یک سمت اداری، می‌توان بدون تغییر رویه به توقع وی توجهی نداشت. ولی اگر در مورد فردی که مال او در خطر است یا از امرار معاش به این دلیل محروم می‌شود، باید دلیل رد شدن وی از انتصاب به سمت اداری او را بیان کرد و فرصت شنیدن اظهاراتش را از طریق استماع منصفانه به او داد. لذا اگر وی فردی است که حق یا منفعت یا توقع مشروعی دارد که محروم کردن او از آن بدون استماع یا ارائه دلایل منصفانه ممکن نیست، بنابراین ضرورت دارد که این حق برای او در نظر گرفته شود. فلسفه اولیه این نهاد هم این است که انتظارات مشروع به مثابه حقی بروز یافته است که برای حفاظت از ادعاهای ماهوی و شکلی ایجاد شده است.

در قضیه دیگری تحت عنوان Wood v. Nestle خواهان توسط شرکت در قالب چندین قرارداد موقت و مدت معین برای یک دوره مستمر سه ساله استخدام شده بود. کارفرما به خواهان قول یک پست

1 . expectation damages

دائمی در شرکت را داده بود. متعاقباً خواننده به دلایل سازمانی از قرار دادن متقاضی در پست دائمی خودداری کرد. متعاقب شکایت خواهان یا ذی نفع، دادگاه احراز نمود که شواهد آشکاری وجود دارد که برای خواهان انتظار مشروعی برای انتصاب دائمی در سمت به‌مرورزمان ایجاد شده است. بر این اساس دادگاه به این نتیجه رسید که عدم انتصاب خواهان در این پست دائمی که از سوی اداره تعهد شده است به منزله یک‌رویه ناعادلانه^۱ است و دادگاه حکم به پرداخت خسارت به نفع خواهان نمود. در این قضیه دادگاه یک تفسیر موسع از انتظارات مشروع برای حکم به پرداخت غرامت دارد. به این معنا که گاهی اداره یا شرکت ممکن است برای توجیه عدول از وعده یا تعهد پیشین خویش توجیهاتی داشته باشد که از منظر مبانی حقوق عمومی معقول به نظر برسد. لیکن این وضعیت نمی‌تواند نافی پرداخت غرامت به اشخاصی باشد که از این تغییر رویه زیان دیده‌اند.

پرداخت خسارت در قالب غرامت پولی توسط مقامات اداری از دو جهت با اصل انتظارات مشروع مرتبط است. اولاً اگر مقام اداری عامدانه به دلیل نقض یک انتظار مشروع به فردی خسارت پرداخته باشد، دادگاه می‌تواند تشخیص دهد که مرجع از اختیار خود سوءاستفاده نکرده است و بنابراین نیازی به اجبار او برای برآورده کردن انتظار نیست؛ ثانیاً دادگاه پس از تشخیص اینکه مقام اداری یا طرف قرارداد یک انتظار مشروع را نقض کرده است، به‌جای حکم به اجرای انتظار، می‌تواند حکم به پرداخت خسارت ناشی از نقض انتظار بدهد. بنابراین باید میان «حکم به اجرای انتظار» و «پرداخت غرامت» تفکیک قائل شد. با این حال، دو مشکل اساسی وجود دارد.

مشکل جدی نخست این است که در حال حاضر در حقوق انگلیس بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی تمایز وجود دارد. به این صورت که کامن‌لا به‌طور کلی حکم به پرداخت غرامت پولی را به‌عنوان راه‌حلی برای نقض قوانین و مقررات عمومی به رسمیت نمی‌شناسد. ولی یک شخص تنها در صورتی می‌تواند خسارت دریافت کند که در حقوق خصوصی در قالب قرارداد یا جرم و عدم تحقق یک انتظار مشروع، به‌احتمال زیاد منجر به چنین خواسته‌ای شود. در قضیه R. v. Commissioners of Customs and Excise (2001) 86، قاضی سدلی به امکان جبران خسارت ناشی از نقض انتظار مشروع پرداخت، اما مقرر داشت که «خسارات ناشی از سوءاستفاده از اختیار اداری شامل مناصب دولتی نمی‌شود و البته این لزوماً به معنای بسته بودن در به روی همه آن موارد نیست. اما پیامدهای سیاستی چنین اقدامی بسیار زیاد است».

مشکل دوم و دیگر در مورد ماهیت خسارات ادعایی یا منافی است که به موجب نقض انتظار مشروع از بین رفته است. گاهی اساساً امکان جبران خسارت از طریق پرداخت غرامت وجود ندارد و خواهان تقاضای حکم به صدور اجرای انتظار را داد. لذا این دیدگاه اتخاذ شد برای اینکه که خسارات ناشی از نقض انتظار مشروع زمانی که زیان متحمل شده توسط یک فرد قابل ارزیابی نباشد راه حل مناسبی نیست، اما اگر بتوان آن را به میزان کمی تعیین و مشخص نمود، دستور دادن به یک مرجع برای پرداخت غرامت به اصرار بر عمل به نحوی که در نظر دارد ارجحیت دارد (Steele, 2005: 325).

مطابق ماده ۳/۷۰۲ از کتاب سوم دی‌سی‌اف‌آر: «مقدار خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی به‌طور معمول مبلغی است که زیان‌دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر آن تعهد اجرا می‌شد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. این خسارت شامل زبانی است که طرف زیان‌دیده متحمل شده و نفعی است که وی از آن محروم گردیده است». بخش اول این مقرر در واقع معیار کامن‌لای برای خسارت انتظار را بیان می‌کند و بخش دوم آنکه شامل مصادیق زیان وارده^۱ و نفع از دست رفته^۲ است با معیار رومی‌ژرمینی اصل جبران کامل خسارت سازگار است. درواقع این مقرر هر دو مبنای کامن‌لای و رومی‌ژرمینی را با هم جمع کرده است (von Bar & others, 2009: 942).

کارکرد این معیار را می‌توان با ذکر نمونه فرضی روشن کرد: شخص الف خودرویی را به قیمت ۵ هزار یورو به شخص ب می‌فروشد و تضمین می‌کند که خودرو از مدل ایکس است، اما درواقع خودرو از مدلی پایین‌تر است که ارزش بازاری آن ۳۵۰۰ یورو است. در محاسبه خسارت خریدار، ثمن معامله دخالتی ندارد. خریدار به‌عنوان خسارت مستحق مابه‌التفاوت بین ارزش خودرو تضمین شده (۵ هزار یورو) و ارزش خودرو فعلی (۳۵۰۰ یورو) است (von Bar & others, 2009: 942). در حقوق اتحادیه اروپا و در پرونده هرکول علیه کمیسیون^۳ دادگاه بدوی بیان کرد که کمیسیون باید به اظهارات سابق خود پایبند باشد. بنابراین دادگاه شکلی از دکترین انتظارات مشروع را در مورد دسترسی به فایل‌ها مورد شناسایی قرار داد. در این قضیه به منظور تضمین حق شنیده شدن، کمیسیون تأکید داشت که باید به وعده‌های خود احترام بگذارد (Wilhelmsson, 2006: 4). در حقوق خصوصی نیز همان‌گونه که گفته شده است تعهدات و یا قراردادهای روشن استاندارد ایجاد انتظار هستند، اما در حقوق عمومی وضعیت

1 . damnum emergens (Lat.)

2 . lucrum cessans (Lat.)

3 . Hercules v Commission

مشابه می‌تواند زمانی ایجاد شود که دولت یک اعلامیه عمومی صادر یا تغییر خط‌مشی ایجاد کند، یا دسته‌جیددی از منافع ایجاد و سپس انتظاراتی را از سوی افراد ایجاد کند و آنگاه شخص به طریقی عمل می‌کند که اتکا بر تصمیم ایجاد نماید (Sales, 2004:564).

از لحاظ حقوقی نیز این معیار پذیرفته شده است که انتظار مشروع می‌تواند منجر به ادعای غرامت شود. مثلاً موردی را در نظر بگیرید که دولت مرکزی برای ساخت یک مدرسه وعده می‌دهد که منبع مالی یا بودجه ساخت مدرسه‌ای را تأمین خواهد کرد. سپس هیئت‌مدیره مدرسه زیرساخت‌های موجود را خراب می‌کند و شروع به ساخت‌وساز می‌کند. متعاقب این امر دولت نظر خود را تغییر می‌دهد و اعلام می‌دارد که دیگر نمی‌تواند بودجه جدید را تعیین کنید. در اینجا باید بگوییم که اقدامات و اظهارات دولت نه تنها انتظارات را ایجاد کرده است، بلکه باعث ایجاد اتکا شده است، به‌طوری که اکنون هیئت‌مدیره مدرسه از عدم موفقیت دولت در اجرای اعلامیه خود زیان‌دیده است. بنابراین باید قادر به دریافت غرامت عادلانه از دولت باشد. در قوانین اکثر کشورهای اروپایی، انتظارات مشروع در قوانین اداری تنها زمانی مورد حمایت قرار می‌گیرند که منفعت اتکا به منفعت مورد انتظار وجود داشته باشد و منافع اعتماد مذکور ناشی از سیاست دولت و یا تضمین صریح وی باشد (Moore, 2017: 231).

در پرونده Kopecky v Slovakia مفهوم انتظار مشروع برای اولین بار توسعه داده شد. قضیه مربوط به زمین خریداری شده دارای پروانه ساخت بود و خریدار بر این معجز اتکا و با اعتماد بر وجود پروانه اقداماتی را انجام داده بود. اقدام رسمی (اعطای پروانه ساخت) در خرید زمین مرتبط پروانه ساخت بود که قبلاً با آن موافقت شده بود و سپس باطل شد و بنابراین این اقدام باعث شد که ارزش زمین بسیار کاهش یابد. دادگاه‌های ایرلند در این خصوص مقرر داشتند که خواهان حق دریافت غرامت ندارند، اما دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم داد که «خواهان حداقل انتظار مشروعی دارد و برای اینکه بتوانیم ساخت‌وساز پیشنهادی خود را انجام دهیم و این غرامت باید تعیین گردد» (Cousins, 2021: 24).

۳. احراز و شناسایی اصل انتظارات مشروع به‌عنوان مبنای خسارت

برای اینکه انتظار مشروع احراز شود باید شرایطی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر در همه موارد وقوع ضرر نمی‌توان به این اصل تمسک جست. ازجمله مهم‌ترین این شرایط این است که اولاً انتظار باید واضح و بدون ابهام باشد؛ ثانیاً این انتظار باید از رفتار مقامات عمومی و اداری حاصل شود؛ ثالثاً ضرری

از تغییر رویه حادث شده باشد. علاوه بر این‌ها دادگاه‌ها معیارهای دیگری را نیز برای شناسایی مسئولیت بیان نموده‌اند. ازجمله اینکه انتظارات باید متعارف *reasonableness of the expectation* نیز باشند. دادگاه‌ها نه تنها معقول بودن انتظارات بلکه ملاحظات دیگری مانند ماهیت ضرر وارده را نیز در نظر می‌گیرند.

۳-۱. احراز و شناسایی اصل در نظام‌های حقوقی

انتظار مشروع که ابتدا به‌خوبی در حقوق انگلیس و حقوق جامعه اروپا شناسایی شده بود، در حقوق اداری فرانسه نیز در قضیه (Entreprise, 1994) به رسمیت شناخته شده است. در این پرونده در سال ۱۹۹۲ واردکننده فضولات از آلمان به فرانسه از مقررات جدید دولت فرانسه مبنی بر ممنوعیت ورود فضولات، متضرر شد و شکایتی مطرح کرد به این درخواست که یک‌سوم درآمد او کاهش یافته و باید خسارت بگیرد. پیش از ۱۹۹۲ قانون مصوب پانزدهم جولای ۱۹۷۵ واردات برخی از انواع فضولات را مجاز کرده بود و خواهان سال‌های زیادی به این کار مشغول بود. دادگاه اعلام کرد مقررات موصوف بدون توجه به منافع واردکنندگانی که به مقررات، اعتماد و تکیه کرده‌اند ابداع گردیده است، لذا انتظار موجه واردکننده نقض شده و او متضرر گردیده است، زیرا که مقررات جدید نیاستی به‌طور ناگهانی و با تأثیر فوری بر منافع واردکنندگان موجود که به قوانین اعتماد کرده‌اند و بدون مقررات «دوره گذار» وضع می‌شد (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱، ۴۵۳).

در حقوق انگلستان علاوه بر رأی قاضی دنین در قضیه Schmidt.V.home secretary که رسماً در رویه‌های قضایی وارد گردید، در پرونده GCHQ، لرد دیپلاک اظهار داشت که انتظار مشروع انتظاری است که «پیامدهایی دارد که در حقوق عمومی به آن اثر داده می‌شود، درحالی که انتظار یا ادعایی که از برخی منفعتهای یا مزیت‌ها همچنان برخوردار باشد، از سوی یک انسان «متعارف»، لزوماً چنین پیامدهایی نخواهد داشت».

در «اصول، تعاریف و قواعد نمونه حقوق خصوصی اروپا، چارچوب مشترک ارجاع (دی‌سی‌اف‌آر)»^۱ به شرح قواعد و اصولی است که هرچند هنوز قابلیت اجرا نیافته، اما انتخاب آن به دلیل مفصل و جامع بودن و اشتغال بر حوزه‌های مختلف حقوق خصوصی ازجمله، حقوق اموال، قراردادهای و مسئولیت مدنی حقوق اروپایی اعم از رومی ژرمنی و کامن‌لا قابل ملاحظه است.

1 . Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law; Draft Common Frame of Reference (DCFR)

سه اصطلاح «اعتماد و انتظارات متعارف»،^۱ «اعتماد متعارف»^۲ و انتظارات متعارف^۳ از اصطلاحات بسیار پرکاربرد در این سند هستند. اما در کنار این اصطلاحات، از واژه‌های دیگری نیز با وصف «مشروع»^۴ و با کارکردهای نسبتاً مشابه استفاده شده است مانند: «هدف مشروع» (von Bar & others, 2009: 229) و منفعت مشروع (von Bar & others, 2009: 57).

حمایت از «اعتماد و انتظار مشروع» یکی از عناصر و اجزاء تشکیل دهنده «امنیت قراردادی» است (von Bar & others, 2009: 57) که به نوبه خود و در کنار آزادی، عدالت و کارآمدی از «اصول بنیادین» سند دی سی اف آر است (von Bar & others, 2009: 13) و در سرتاسر این سند و در حوزه‌های متخلف حقوق کاربرد دارد. در اینجا تنها به برخی از این کاربردها اشاره می‌شود. یکی از موارد استناد به اعتماد مشروع، در بحث تشکیل قرارداد و مربوط به حمایت از طرفی است که به اشتباه بر ظاهر رفتار طرف دیگر اعتماد کرده است. اغلب نظام‌های حقوقی از اعتماد طرفی که اشتباه کرده حمایت می‌کنند و حمایت به این صورت است که برای جبران زیان‌واره به وی از قواعد مسئولیت غیرقراردادی استفاده می‌کنند یا صرفاً وی را ملزم به ظاهر اظهارات وی می‌دانند (von Bar & others, 2009: 57). مورد دیگر، منع یک طرف از اتخاذ موضعی معارض با اقداماتی است که سابقاً انجام داده و طرف دیگر به‌طور مشروع بر آن اقدامات اعتماد کرده است (von Bar & others, 2009: 60-61) 136.&.

حمایت از «انتظارات متعارف» نیز مصادیق بسیار متعددی در حقوق قراردادها دارد مانند حمایت از انتظارات متعارف نماینده (von Bar & others, 2009: 2383)، حمایت از انتظارات متعارف خریدار (von Bar & others, 2009: 1311)، حمایت از انتظارات متعارف مصرف‌کننده (von Bar & others, 2009: 1681)، حمایت از انتظارات متعارف مستأجر (von Bar & others, 2009: 1605)، حمایت از انتظارات متعارف متهب (von Bar & others, 2009: 2778)، حمایت از انتظارات متعارف تأمین‌کننده (von Bar & others, 2009: 2460). همچنین در بحث حقوق اموال، برای حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت (von Bar & others, 2009: 65). در موارد مسئولیت مدنی، برای حمایت

1 . reasonable reliance and expectations
2 . reasonable reliance
3 . reasonable expectations
4 . legitimate

از طرف زیان‌دیده (von Bar & others, 2009:3030, & 3037) و در قواعد مربوط به دارا شدن ناعادلانه (von Bar & others, 2009: 64) از این مفاهیم استفاده شده است.

نکته مهمی که در مورد این اصطلاحات باید تذکر داد این است که از لحاظ حقوق ایران که در بند آتی آمده است، صرف متعارف بودن هدف یا منفعت یا اعتماد یا انتظار یک طرف یا طرفین قرارداد موجب نمی‌شود که بتوان برای تأمین آن‌ها ضمانت اجرای حقوقی در نظر گرفت. در دی سی اف آر نیز در بحث مسئولیت مدنی تصریح شده است که نقض منفعتی دارای ضمانت اجرا است که از لحاظ حقوقی قابل حمایت باشند (von Bar & others, p. 3030 & 3034: Violation of an interest worthy of legal protection). تأمین این امور از لحاظ حقوقی هنگامی ممکن است که یا در قانون از آن‌ها حمایت شده باشد یا در زمره تعهدات قراردادی طرفین آمده باشد. هدف، منفعت، اعتماد و انتظار یک طرف در صورتی (و تا جایی) مورد حمایت قانون است که در حیطه تعهد طرف دیگر قرار گرفته باشد. حقوق‌دانان برجسته کشورمان در بحثی با عنوان «خسارت قابل مطالبه - حدود خسارت» می‌گویند: در تمیز کیفیت اجرای قرارداد، معیار التزام طرف قرارداد است نه انتظار طلبکار (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

در حقوق مصر مسئله با دشواری بیشتری مواجه است؛ زیرا مطالعه رویه شورای دولتی نشان داده است که این نهاد برخلاف برخی نظام‌های حقوقی اروپایی، اصل انتظارات مشروع را به عنوان یک اصل مستقل و عام که نقض آن فی نفسه منشأ حق مطالبه خسارت باشد، به صراحت تثبیت نکرده است. یکی از پژوهشگران حوزه حقوق اداری مصر پس از بررسی رویه شورای دولتی این کشور نتیجه گرفته است که این شورا، اگرچه از امنیت حقوقی اشخاص و سرمایه‌گذاران حمایت کرده، اصل حمایت از انتظارات مشروع را به عنوان مبنایی مستقل برای ابطال تصمیم اداری نپذیرفته است (النمر، ۲۰۲۱: ۴۴۵). درعین حال برخی آراء و فتاوای قضایی از طریق مفاهیمی مانند اعتماد مشروع، ثبات وضعیت حقوقی و منع عدول ناموجه اداره، حمایت‌هایی نزدیک به این اصل را فراهم کرده‌اند (الشناوی، ۲۰۱۸: ۴۵۶). مبنای اصلی مطالبه خسارت در حقوق مصر، در چنین مواردی، نه صرف وجود انتظار، بلکه مسئولیت ناشی از رفتار زیان‌بار اداره است. ماده ۱۶۳ قانون مدنی مصر مقرر کرده است که «هر خطایی که موجب ورود ضرر به دیگری شود، مرتکب را به جبران خسارت ملزم می‌کند» (جمهوری عربی مصر، ۱۹۴۸: ماده ۱۶۳). این قاعده اگرچه در متن قانون مدنی بیان شده، در تحلیل مسئولیت دولت و اشخاص عمومی باید با قواعد خاص حقوق عمومی و صلاحیت قضای اداری هماهنگ شود.

۳-۲. در حقوق ایران

در حقوق ایران نظریه «انتظار مشروع» یکی از معیارهای نظارت قضایی در حقوق عمومی و اداری است (نک: رستمی و سلیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۷-۱۱۹). بسیاری از شعب دیوان عالی کشورمان نیز در آراء مربوط به شکایت از نهادهای عمومی به مفهوم «انتظار مشروع» تمسک کرده‌اند، ازجمله: شعبه ۳ دیوان عدالت اداری در پرونده: ۹۲۰۵۲۴/۳، شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در پرونده: ت ۹۲۱۱۴۹/۱، شعبه ۸ دیوان عدالت اداری در پرونده: ۹۰۱۹۵۹/۸ و شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در پرونده: ت ۹۲۶۸۳/۱. از این گذشته، در بحث مسئولیت مدنی دولت نیز اصل انتظار و اعتماد مشروع در کنار اصل احتیاط ازجمله اصول حقوقی نوینی است که «تعهدات اداره را مبنی بر جبران خسارت ناشی از تصمیمات خود در راستای کارایی و تضمین امنیت حقوقی توسط اداره تقویت» می‌کند (عباسی، ۱۳۹۳: ۳۷). همچنین در حقوق انگلستان به این اصل در دعاوی مربوط به تملک قهری اراضی توسط دولت استناد شده است (نک: علیزاده و پارساپور، ۳۰۰: ۱۴۰۰-۳۰۱).

در ایران نهاد انتظار مشروع و متعارف در دعوایی راجع به مطالبه خسارت وارده به اموال و ملک خواهان در اثر وجود نقص فنی در پکیجی که خوانده به وی فروخته مورد استناد قرار گرفته است. شعبه سوم دادگاه عمومی کهریزک در بخشی از رأی خود آورده است «... شرط بنائی وجود دارد که بر اساس آن عرضه‌کننده سلامت و انطباق کالا را با انتظار مشروع و متعارف مصرف‌کننده تضمین کرده و به نوعی تعهد ایمنی به سود خریدار ایجاد گردیده است»، ازاین‌رو شعبه مذکور خوانده را محکوم به پرداخت خسارت می‌کند (دادنامه شماره ۰۰۴۶۶-۹۲/۱۲/۲۴). شعبه ۲۵ دیوان‌عالی کشور دادنامه فرجام‌خواسته را ابرام می‌کند (دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۵۰۰۲۹۸ تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۹).

باید متذکر شد که ماده ۲ سند امنیت قضائی ابلاغی توسط رئیس قوه قضائیه (۱۳۹۹/۷/۲۱) نیز به «اصل اعتماد و انتظار مشروع» اختصاص دارد و بندهای دوگانه آن به تعریف دو اصل «اعتماد مشروع» و «انتظارات مشروع» پرداخته است: «۱. اصل اعتماد مشروع، عبارت است از امکان پیش‌بینی نتایج نظام حقوقی که درنهایت می‌تواند اعتماد شهروندان به نظام قضایی را جلب کند؛ ۲. تحقق امنیت قضایی، مستلزم احترام به حقوق مکسبه اشخاص و حمایت از انتظارات مشروع آنان است. رعایت امور مذکور در عرصه تصمیم‌گیری‌های قضایی و اداری در راستای اصل کلی اعتماد مشروع، علاوه بر ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نظام حقوقی، نقض حقوق و آزادی‌ها را نیز کاهش می‌دهد. انتظارات مشروع عبارت است از خواسته‌ها و توقعات معقولی که در روابط متقابل افراد با مقامات (اعم از قضایی و اداری) در

اثر تصمیمات، اطلاعات، سیاست‌ها و رویه‌های اداری و اجرایی ایجاد شده و در صورت نقض می‌تواند موجب ایراد خسارت شود».

امکان به کارگیری این اصل و نظریه در حقوق خصوصی و به‌عنوان مبنایی برای پرداخت خسارت در حقوق مسئولیت مدنی نیازمند احتیاط و بررسی است. همانند هر اصل و نظریه دیگری، اجرای این اصول در عمل نیازمند ایجاد سازوکارهای لازم و ازجمله تدوین مقررات حقوقی لازم یا دست‌کم وجود ادبیات حقوقی و قضائی کافی در زمینه ماهیت، شرایط و آثار و نتایج آن‌ها است و در زمینه حقوق مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی کشورمان تاکنون چنین سازوکارها یا ادبیاتی دیده نمی‌شود. درواقع، حتی حقوق‌دان بیگانه‌ای که حمایت از انتظاراتی که به‌طور متعارف از قرارداد ناشی می‌شوند را از اهداف اساسی حقوق قرارداد می‌دانند، نیز اذعان می‌کنند که مسئله مهمی که در این مورد نظریه مطرح می‌شود چگونگی تعیین متعارف بودن انتظار و اعتماد است (Bayles, 1983: 622-623). این مورد بستگی به شرایط و وقایع پرونده‌هایی دارد که ناشی از ادعاهای انتظارات مشروع در محاکم است.

نتیجه‌گیری

نظریه انتظارات مشروع برای اولین بار در حقوق انگلیس به‌عنوان جهتی برای بازنگری قضایی در حقوق اداری برای حمایت از یک منفعت شکلی یا ماهوی شکل گرفت. هدف اولیه و نخستین آن بر اساس اصول عدالت طبیعی و انصاف در کامن‌لا بوده و به دنبال جلوگیری از سوءاستفاده مقامات از قدرت است. در کامن‌لا محاکم انتظارات مشروع ماهوی و رویه‌ای را به رسمیت شناخته‌اند. بااین‌حال این اصل امروزه جنبه همه‌گیر و جهانی ندارد. این اصل پیوند بسیار نزدیک و بحث‌برانگیزی با اصول و قواعدی چون اصل ثبات، اصل هماهنگی، اصل مسئولیت دولت و قاعده استاپل دارد. همان‌گونه که در برخی از دعاوی در متن مقاله به آن پرداخته شد نقض این اصل در صورتی که منجر به ورود خسارات به اشخاص باشد، می‌تواند زمینه‌ای برای طرح دعوای مسئولیت مدنی قرار گیرد. با توجه به اینکه جبران خسارات ناشی از نقض این اصل در رویه قضایی اتحادیه اروپا، انگلستان و فرانسه و آمریکا مورد شناسایی قرار گرفته است، این امر می‌تواند موردتوجه دادگاه‌ها و قانون‌گذار ایرانی قرار گیرد.

اهمیت نقض این اصل و خسارات آن این است که این موضوع چه در سطح حقوق اداری و چه در سطح قراردادی زیان‌دیدگان متعددی دارد و در عمل مسائلی از این دست نظام حقوقی مواجه است. البته همان‌گونه که در متن مقاله به آن پرداخته شد، امکان به کارگیری این اصل و نظریه در حقوق خصوصی

و به‌عنوان مبنایی برای پرداخت خسارت در حقوق مسئولیت مدنی نیازمند احتیاط و بررسی است. همانند هر اصل و نظریه دیگری، اجرای این اصول در عمل نیازمند ایجاد سازوکارهای لازم و ازجمله تدوین مقررات حقوقی لازم یا دست‌کم وجود ادبیات حقوقی و قضایی کافی در زمینه ماهیت، شرایط و آثار و نتایج آن‌ها است و در زمینه حقوق مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی کشورمان تاکنون چنین سازوکارها یا ادبیاتی دیده نمی‌شود.

فهرست منابع

- افتخارجهرمی، گودرز، شهبازی نیا، مرتضی (۱۳۸۳). «بررسی قاعده استایل در حقوق انگلیس و آمریکا»، **نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران**، شماره ۳۰.
- جمهوری عربی مصر (۱۹۴۸). **القانون المدنی**. رقم ۱۳۱ لسنة ۱۹۴۸، ماده ۱۶۳.
- زارعی، محمدحسین، مسیح بهنیا (۱۳۹۰). «تأملی بر امکان اعمال اصل انتظارات مشروع در دیوان عدالت اداری»، **راهبرد**، شماره ۶۱.
- زارعی، دکتر محمدحسین و بهنیا، مسیح (۱۳۷۸). **انتظارات مشروع در حقوق عمومی**، نشست سوم تازه‌های حقوق اساسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- شونبرگ، سورن (۱۳۷۸). **انتظارهای مشروع در حقوق اداری**، ترجمه: احمد رنجبر، چاپ اول، انتشارات میزان.
- الشناوی، ولید محمد (۲۰۱۸). **حماية التوقعات المشروعة في القانون الإداري**، جامعه المنصوره، کلیه الحقوق. مصر.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی مسؤولیت مدنی اداره»، **فصلنامه حقوق اداری**، سال دوم، شماره ۵.
- علیزاده، امیرحسین و محمدباقر پارساپور (۱۴۰۰). «بررسی قضایی فرآیند تملک قهری توسط دستگاه‌های اجرایی در رویه قضایی ایران و انگلیس»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). **قواعد عمومی قراردادها**، جلد ۴، چاپ سوم، تهران شرکت سهامی انتشار.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۴۰۱). اهداف و مبانی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد با تأکید بر آرای قضایی. **حقوق خصوصی**، دوره ۱۹، شماره ۲.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۳۹۴). «بررسی نظریه استایل ناشی از وعده»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۹، شماره ۳.
- النمر، یحیی محمد مرسى (۲۰۲۱). «الحماية القضائية لمبدأ التوقع المشروع في المنازعات الإدارية وأثرها على تشجيع الاستثمار: دراسة مقارنة». **مجلة القانون والاقتصاد**، ملحق العدد ۹۴.
- هداوند، مهدی و علی مشهدی (۱۳۹۰). **اصول حقوق اداری**، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، چاپ اول، انتشارات خرسندی.
- پرونده ۹۲۰۵۲۴/۳، شعبه ۳ دیوان عدالت اداری
- پرونده شماره ۹۰۱۹۵۹/۸، شعبه ۸ دیوان عدالت اداری
- پرونده شماره ت ۹۲۱۱۴۹/۱، شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری
- پرونده شمارهات ۱۹۲۶۸۳، شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری
- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۵۰۰۲۹۸، مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۹، شعبه ۲۵ دیوانعالی کشور
- دادنامه شماره ۰۰۴۶۶ مورخ ۹۲/۱۲/۲۴، شعبه سوم دادگاه عمومی کهریزک

References

- Barak-Erez, D., (2005). The doctrine of legitimate expectations and the distinction between the reliance and expectation interests. *Eur. Pub. L.*, 11, p.583.
- Brown, A. Justifying Compensation for Frustrated Legitimate Expectations. *Law and Philos* 30, 699–728 (2011).
- Brown, A., (2011). Justifying compensation for frustrated legitimate expectations. *Law and Philosophy*, 30(6), pp.699-728.
- Cousins, M., (2021). Legitimate Expectation and Social Security Law Under the European Convention of Human Rights. *European Journal of Social Security*, 23(1), pp.24-43.
- Elliott, M (2003). Unlawful Representations, Legitimate Expectations and Estoppel in Public Law. *Judicial Review*, 8(2), 71-80.
- Moore, M., (2017). Legitimate expectations and land. *Moral Philosophy and Politics*, 4(2), pp.229-255.
- Sales, P. and Steyn, K (2004). 'Legitimate Expectations in English Public Law: An Analysis', *Public Law* 564–653.
- Schønberg, Søren J., 'Compensatory Protection of Legitimate Expectations (I): Revocation of Decisions', *Legitimate Expectations in Administrative Law* Oxford, 2000; online edn, Oxford Academic, 22 Mar. 2012
- Steele, Iain (April 2005), "Substantive Legitimate Expectations: Striking the Right Balance?", *Law Quarterly Review*, 121: 300–328.
- Stott, David, Felix, Alexandra (1997). *Principles of administrative law*, Cavendish Publishing Limited.
- Stuart, M (1983). Legitimate Expectations and Estoppel in Community Law and English Administrative Law. *Legal Issues of Eur. Integration*, 10, 53.
- Trăilescu, A.A., (2011). Predictability Of The Norms And The Stability Of Legal Relations--Components Of The Legality Of Administrative Acts. *Juridical Current*, 14(1).
- Wilhelmsson, Thomas, and Christian Twigg-Flesner. "Pre-contractual information duties in the *acquis communautaire*." (2006): 441-470.
- von Bar, Christian, Eric Clive & Hans Schulte-Nölke(2009), *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law; Draft Common Frame of Reference (DCFR)*, full edition, Munich.
- Wood v Nestle (SA) (Pty) LTD (1996) 17 ILJ 184 (IC).
- Ramburam v Minister of Housing (House of Delegates) and Others 1995 (1) SA 353 at 364 par G-I.
- R. v. Commissioners of Custom and Excise, ex parte F & I Services Ltd. [2001] EWCA Civ 762, [2001] S.T.C. 939, C.A (England & Wales).